

آموزش تحلیل سیاسی / جایگاه آمریکا بعد از چهل سال چالش با ایران

در یک نگاه وسیع تر وضعیت آمریکا را وقتی که نگاه می کنیم، می بینیم که قدرت آمریکا و اقتدار و هیمنه ی آمریکا در دنیا رو به افول و رو به زوال است. (۱۳۹۷/۰۸/۱۲) یعنی اگر با سی سال قبل از این مقایسه کنیم؛ مقایسه کنیم وضع سیاسی او را، وضع اقتصادی او را، وضع اجتماعی او را، نفوذ و حضور او را در دنیا، بوضوح خواهیم دید که تنزل کرده و رو به ضعف آمده است. در این خصوص، مواردی را من اینجا یادداشت کرده ام: (۲۷/۰۵/۱۳۸۹)

حمایت از کالای ایرانی
تابلوساسی
انعکاس آخرین تحلیلهای و مواضع رسانه ما و جریانها
BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۷۰۲ / دوشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۷

ایران، جنگ جهانی اول و نشست پاریس!

خراسان: در حالی فرانسه میزبان دشمنان دیروز و دوستان امروز در مراسم یکصدمین سالگرد پایان جنگ جهانی اول است و آلمان سرسخت ترین دشمن سابق متفقین در آن شرکت دارد که ایران غایب بزرگ این نشست است. رهبرانی از ۷۰ کشور جهان به دعوت پاریس در این مراسم شرکت کرده اند که به نظر می رسد از تهران دعوت نشده است. برخی از کشورهای شرکت کننده هیچ ارتباطی نه از دور و نه از نزدیک با این جنگ ندارند؛ اما ایران خاطره تلخی از این جنگ داشته و دارد و به شدت از آن متاثر شده است. اگر جنگ جهانی اول به قولی ۱۸ میلیون کشته داشت، ایران به تنهایی و به روایتی حدود ۱۰ میلیون کشته داد! همین جنگ یکی از عوامل اصلی "قحطی بزرگ" از سال ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ در ایران به شمار می رود. محمد قلی مجد پژوهشگر ایرانی مقیم آمریکا بر اساس اسناد وزارت خارجه این کشور، آمار قربانیان این قحطی را حدود ۸ تا ۱۰ میلیون نفر برآورد می کند. والاس اسمیت موری کاردار آمریکا در ایران در دوره قحطی می گوید: «به نظر می رسد دستکم ایران با اوضاع سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۱۷ روبه روست. در آن هنگام بر اثر خشکسالی و تخریب زراعت ایران به دلیل تهاجم ارتش های بیگانه، قحطی ایران را در بر گرفت که تخمین می زنند یک سوم جمعیت آن را تلف کرد.» مجد در مصاحبه ای در این باره می گوید: «عجیب تر از همه نقش بریتانیا در این فاجعه است. قحطی بزرگ در زمانی اتفاق افتاد که سراسر ایران در اشغال نظامی انگلیسی ها بود. درست در زمانی که مردم ایران بر اثر قحطی نابود می شدند، ارتش بریتانیا مشغول خرید مقادیر عظیمی غله و مواد غذایی از بازار ایران بود و با این کار خود هم باعث افزایش شدید قیمت مواد غذایی می شد و هم مردم ایران را از این مواد محروم می کرد.» اما مردم جهان و حتی اغلب کشورهای شرکت کننده در نشست صلح پاریس هیچ اطلاعی از این نتایج فلاکت بار جنگ جهانی اول بر ایران ندارند. رسانه های برون مرزی ایرانی چه دیداری چه سایبری که هیچ حادثه "غیر مهمی" در منطقه و جهان از "نگاه تیز" آن ها دور نمی ماند، کوچک ترین اشاره ای به چنین مسائلی نمی کنند. گویا در بعد دیپلماتیک هم هنوز همان "موضع بی طرفی" در قبال نتایج جنگ جهانی اول دنبال می شود. در چنین مناسبتی می شد در چارچوب یک دیپلماسی عمومی و رسانه ای زوایای پنهان جنگ جهانی اول در ایران را برای جهانیان روشن ساخت.

خروج از یک توهم قدیمی با ارتش اروپایی

جوان: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، شامگاه جمعه ۹ نوامبر و به محض رسیدن به پاریس پیام توئیتری را منتشر کرد و در آن نوشت: «ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه به تازگی پیشنهاد داده که اروپا ارتش خود را تشکیل دهد تا بتواند از خود در مقابل امریکا، چین و روسیه دفاع کند. بسیار توهین‌آمیز است. بهتر است اروپا ابتدا سهم عادلانه خود را در ناتو بپردازد؛ سهمی که امریکا آن را به مقدار زیادی تأمین می‌کند.» این دیدگاه انتقادی ترامپ باعث شده بود که موضوع خروج امریکا از ناتو مطرح شود و ترامپ هم قبل از نشست سران ناتو در ماه ژوئیه، نامه‌هایی به رهبران آلمان، کانادا، اسپانیا و هلند نوشت و در آن نامه‌ها نه تنها آن‌ها را سرزنش کرده بود که حق عضویت خود را در ناتو نمی‌پردازند بلکه به صراحت گفت که اگر آن‌ها حق عضویت خود را نپردازند، امریکا هم ممکن است به زودی در مورد باقی ماندن در این اتحاد نظامی تجدید نظر کند. باید گفت که این نحو برخورد طلبکارانه ترامپ با اعضای ناتو و به خصوص کشورهای اصلی آلمان، بریتانیا و فرانسه بیشتر یک لفاظی سیاسی است تا با فشار آوردن به آن‌ها بتواند در مقابل امتیازاتی به دست بیاورد. حالا هم که ماکرون حرف ارتش اروپایی را پیش کشیده، ترامپ سبک و سیاق خودش را در پیش گرفته تا با لفاظی و زبان تهدید امکان مانور بیشتری در مقابل ماکرون و دیگر رهبران اروپایی داشته باشد و نه تنها اصل ایده ارتش اروپایی را تحت سایه این لفاظی قرار بدهد بلکه با استفاده از اهرم امنیت و وابستگی امنیتی اروپایی‌ها به امریکا، از رهبران اروپایی امتیازاتی به دست بیاورد. در مقابل، این روش ترامپ دست کم در حد فعلی واکنش ماکرون را در پی داشته و باعث شده او جلدی‌تر از قبل ایده ارتش اروپایی را پیش بکشد. ماکرون در آن مصاحبه برای توجیه تشکیل ارتش اروپایی بر دو نکته کلیدی انگشت گذاشته بود. نکته اول مربوط می‌شود به نحوه تهدیدهای امنیتی اروپا که ماکرون در وهله نخست، این تهدیدها را از سوی روسیه می‌داند چرا که می‌گوید روسیه هم‌مرز با اروپا است و نشان داده که می‌تواند یک تهدید باشد. در وهله دوم، ماکرون دامنه تهدید را به فراسوی روسیه برده و چین و حتی خود امریکا را به عنوان یک تهدید ارزیابی کرده که اروپا برای دفاع از خود دیگر نمی‌تواند متکی به امریکا باشد و باید برای مقابله با این تهدیدها ارتشی مستقل برای خود دست و پا کند. نکته کلیدی دوم پیمان موشکی بین روسیه و امریکا است که ترامپ در اواخر اکتبر و به بهانه نقض آن توسط روسیه از این پیمان خارج شد. اروپا تحت سایه این پیمان می‌توانست تضمینی برای امنیت خود در مقابل روسیه و امریکا داشته باشد، اما حالا که ترامپ از این پیمان خارج شده، اروپا دیگر چنین تضمینی ندارد و دوباره زیر سایه موشک‌های روسی و امریکایی رفته است. شکی نیست که هر دو موضوع برای امنیت اروپا کلیدی هستند. دونالد تاسک، رئیس شورای اتحادیه اروپا، بعد از خروج ترامپ از پیمان اقلیمی پاریس و برجام گفته: «باید سپاسگزار ترامپ بود، چون ما به لطف او از توهمات خلاص شده‌ایم.» منظور او توهم امنیت اروپا با اتکا به امریکا است که باید گفت: ترامپ با این دست لفاظی‌ها بیشتر اروپایی‌ها را به سمت رهایی از این توهم سوق می‌دهد.

اصلاح طلبان و انتخاب شهردار

صبح نو: اگر آقای آخوندی شهردار تهران شود، به این معناست که اولاً مرزهای بین اصلاح طلبی و اعتدال گرایی تا حدود زیادی زده شده و ثانیاً اصلاح طلبان نتوانسته‌اند با وجود شعارهای فراوان یک گزینه اصلاح طلب برای مدیریت شهر تهران بیابند. علاوه بر این دو مورد، نکته مهم دیگر چالش آفرین بودن انتخاب آخوندی در تعامل با بخش‌های مختلف سیستم است. او به تازگی زبان به نقد دولت گشود و پس از خروج از آن در حمله به دولت کم نگذاشت. بی تردید با این فرض انتخاب احتمالی آخوندی دولت را خشنود نمی‌کند و تبعات شاید نامناسبی برای شهر تهران داشته باشد. نکته بعدی به نگرش آخوندی بازمی‌گردد؛ اساساً نوع مدیریت وی در تهران بیشتر فرهنگی و اجتماعی خواهد بود و احتمالاً بخش اجرایی و مهندسی نحیف خواهد شد. او در تعریفی که از شهردار تهران ارائه داده صاحب این مقام را، متفاوت از تعریف کنونی می‌داند و همین تفاوت در بینش می‌تواند شورای شهر را به چالش بیندازد. آنچه پیش روی این انتخاب وجود دارد، چالش‌هایی در بخش‌های سیاسی و عمرانی و خدماتی خواهد بود.

بدون جدیت ما در خروج از برجام تعهدات اروپا عملی نخواهد شد

الف: یک کارشناس سیاست خارجی تصریح کرد تنها اهرم فشار برای واداشتن اروپا به انجام تعهداتش، خروج از برجام است. درباره بدقولی‌های چندباره اروپا درباره راه‌اندازی ساز و کارهای تبادل مالی و بانکی گفت: تنها اهرم فشار در مقابل غربی‌ها خروج از برجام است، ولی ما متأسفانه هیچ‌وقت از این فرصت استفاده نکردیم. نکته‌ای هم که وجود دارد این است که آنها تصور می‌کنند که ایران تحت هر شرایطی با اروپا یا بدون آنها در برجام ادامه خواهد داد که متأسفانه این ذهنیت ناشی از اظهارات نسنجیده برخی از مسئولین دولتی است. در سفر آقای روحانی به نیویورک مشاهده شد که همواره در آنجا اعلام کردند که ایران در برجام خواهد ماند که در مقابل آمریکا هم همین رفتار را از خود نشان دادیم، قبل از اینکه ترامپ از برجام خارج شود، همواره عنوان می‌کردیم که بدون آمریکا نیز در برجام خواهیم ماند و هیچ تهدیدی از سوی ما صورت نگرفت و در حال حاضر هم این غربی‌ها هستند که ایران را محتاج برجام می‌دانند. لذا به خود اجازه می‌دهند تا هر طور که می‌خواهند رفتار کنند. دولت آقای روحانی باید تصمیم جدی در مورد برجام بگیرد، و اگر واقعا اروپایی‌ها نمی‌خواهند به وعده‌هایشان عمل کنند، باید از برجام خارج شویم، اما متأسفانه دولت چنین موضوعی را نمی‌خواهد و همواره مطرح می‌کند که در برجام خواهد ماند. متأسفانه در داخل کشور عده‌ای پیام‌هایی را مبنی بر برجام دو و سه مطرح می‌کنند، یعنی اینکه دوباره با غربی‌ها مذاکره کنیم با وجود اینکه غربی‌ها اعتقادی به مذاکره ندارند و به دنبال امتیاز گرفتن از ایران هستند و ایران را محتاج مذاکره می‌دانند، لذا به هر اقدامی که می‌خواهند دست می‌زنند. در حال حاضر هم اروپایی‌ها هم اعتقاد دارند که ایران با وجود کارشکنی‌ها در برجام باقی خواهد ماند.

احمدشاه و کنتس اتریشی در خواب‌های پمپئو

کیهان: آمریکایی‌ها که به قول ترامپ در سال‌های اخیر ۷ تریلیون دلار در این منطقه خرج کرده‌اند، نعل وارونه می‌زنند و مدعی هستند ایران بودجه کشورش را صرف حضور منطقه‌ای خود می‌کند و مشکلات اقتصادی آن ناشی از همین هزینه‌هاست که باید جاهای دیگری خرج شود. حال آنکه ایران اولاً علیرغم مواجهه بودن با انبوه تهدیدات ریز و درشت، یکی از کمترین بودجه‌های نظامی را بین کشورهای منطقه دارد. ثانیاً ادعای آمریکا درباره اینکه ایران برای دیگران در منطقه هزینه می‌دهد نیز از اساس غلط بوده و از قضا برعکس است. این سوریه و یمن هستند که هزینه الگوگیری از بیداری و مقاومت انقلاب اسلامی ایران را می‌دهند کما اینکه رژیم آل سعود و غربی‌ها بارها به بشار اسد گفته‌اند با پشت کردن به ایران و محور مقاومت نه تنها جنگ پایان می‌یابد بلکه هزینه بازسازی سوریه را نیز می‌دهند. روزگاری نه چندان دور ایران ظرف چند ساعت یا حداکثر چند روز به‌اشغال بیگانگان در می‌آمد و جان و مال و ناموس مردم از تعدی آنان در امان نبود. اینک قدرت ایران به مرحله‌ای رسیده که نه تنها امنیت خود را تامین می‌کند بلکه می‌تواند صدها کیلومتر دورتر از مرزهای خود نیز اثرگذار باشد و مانع از تحقق برنامه‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای و دست‌پرورده‌های آنان همچون داعش شود.. احمد علی سپهر در کتاب «ایران در جنگ بزرگ» می‌نویسد؛ «احمدشاه قبل از ازدواج عشق سوزانی نسبت به کنتس لگوتتی دختر وزیر مختار اتریش داشت و قصر منظریه را در تابستان به اختیار سفارت اتریش قرار داد تا روزها از نیاوران با آن دوشیزه زیبا به گردش و سواری و بازی تنیس بپردازد.» چندی قبل اندیشکده آمریکایی «انستیتو واشنگتن» در تحلیلی درباره «طرح پیشرفت اسلامی - ایرانی» که برای نیم قرن آینده تدوین شده نوشت آیت‌الله خامنه‌ای مصمم به اقتدار ایران است؛ «در کل، رهنمودهای این سند نشان‌دهنده دو ماموریتی است که رهبر جمهوری اسلامی برای دستیابی به برتری منطقه‌ای و حتی جهانی در نظر دارد؛ ماموریت نخست، اسلامی کردن همه ابعاد زندگی یا همان مخالفت با معیارهای غربی نظام جهانی است و ماموریت دوم، استفاده از دستاوردهای پیشرفته علمی برای استقلال و خودکفایی فنی است.» حکومت ایران از مواج‌بگیری ماهانه از بیگانه و تنیس بازی شخص اول مملکت با دخترک فلان فرستاده اروپایی به برنامه‌ریزی برای تحکیم و افزایش اقتدار کشور برای نیم قرن آینده رسیده است.

